



سال سوم ، شماره ۱۰۴
پنجشنبه ۲ مهر ماه ۱۳۶۰
به شماره ۱۰ رسال

دوبار و هفته منتشر میشود

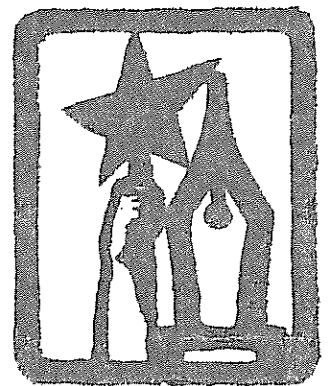
کتابخانه ایرانی
Persische Bibliothek in
رهائی

ویژه مبارزات توده ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

سرنگونی قهرآمیز رژیم اسلامی،

مبارزات توده ای و سازمانهای چپ



در صورت مبارزه مسلحانه عنوان میشد از آن زمان این جریان برخاست گوا اینکه هرگز مستقلاً عنوان میشد و نیروی در این سازمان نه تنها آنها را با یکدیگر میدیدند بلکه با تبعیضی به نقدتزیهای گذشته بهیاد میآوریم زمانی را که بزرگترین کوشش ما بهسر این بود که به رفقا نشان دهیم تزیهای جزئی بهیاد احمدزاده و تزیهای احمدزاده با پویان فرق دارند. "کفرآمیز" بود! "شما میخواهید بگوئید که احمدزاده و پویان با هم اختلاف داشتند؟". اگر این فقط مربوط به گذشته بود با پیدازان میگذاشتیم ولی همین برخورد سطحی کودکان در "نفی" مبارزه مسلحانه نیز نمودار شد. ناگهان یک شبه چنان

بقیه در صفحه ۲

در ایران بها هر ساله مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه توسط کمونیستها و نیز خرده بورژوازی سخن از این مقوله گفتن با رشتوریک و عاطفی سنگینی در بر داشت. تزیهای مختلفی که از ضرورت مبارزه مسلحانه سخن میگفتند و آن تزیهای که دست بردن به سلاح را ما چرا جوشی تلقی میکردند بهیاد بستی در پرتو ده سال مبارزه جمع بندی میشدند و اگر نه نسخیه، لااقل رهنمودی برای مبارزات بعدی میدادند. واقعیت این است که این کار نشد نه تزیهای موافق مبارزه مسلحانه در دوران شاه در پی تجارب بعدی با زبانی شدند و نه تزیهای مخالفین. عده ای هنوز در گذشته، در عالمی بسر میبردند که با دورغا رشتیسان و اصحاب کشف است. جدل آنها هنوز در دنیا ای احمدزاده ها و پویان ها و در آسمان رویاها جریان دارد. هنوز تزیهای جزئیها و صفاتی فراها نیها مسئله امروز آنهاست و گوئی که نه خانی آمده و نه خانی رفته، نه انقلابی شده و نه رژیم عوض شده، نه دنیا کسی متحول شده و نه جا معده ای دیگرگون شده، هنوز بهیاد آموخته های اولیه کلنجا ر میروند و خود می فریبند. در مقابل این جریان غیر تاریخی "تاریخی" عده ای کثیرتر چنان مجذوب و بهتر بگوئیم مرعوب انقلاب سیاسی اخیر شد که سخن از گذشته گفتن را عیار دانستند. درخشش آفتاب روشنگر راه آنان نشد. چشمهایشان را خیره و کور کرد. بهت زدگان اقلیج که با رای ایستادگیشان هم نبود.

فدا نیان با ر عده مبارزهای را بدوش داشتند که بهیج کننده ترین جریان از لحاظ جذب کمونیستها بود. تزیهای مختلف و متناقضی که از طرف کمونیستها

در صفحات دیگر:

* ایران و مطبوعات جهان
* گشایش مدارسی...
* اخبار

تکثیر از: هـواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا

سرنگونی...

کننده ساپراشکال مبارزه، بویژه در زمانی که بخش عظیمی از توده ناآگاه و غیرفعال است نیست بلکه یکی از اشکال مبارزه است که در کنار سایر اشکال مبارزه میتواند نقش موثر خود را بازی کند (و شروع شود به قافا تر "تدارک انقلاب سوسیالیستی" و مرحله تدارک انقلابی") با توجه به سطح رشدنازل جنبش کمونیستی ایران شکست انگیز نیست که بیاورد آورده شود که گمانی که امروز مبارزات مسلحانه گذشته را با شدیدترین و در مواردی وقیحانه ترین - الفاظ رد میکنند، همان گمانی هستند که به انتقادات ما در زمان خود با همان وقاحت برخورد میکردند "مبارزات مقدس چریکی" را مبری از هر هب و ایرادی میدانستند. باز هم باید گفت که برآستی گذشت زمان عبرت انگیز است.



ذکر مطالب فوق بمعنای برخورد به گذشته نیست. جای یک برخورد جامع و آموخته هنوز خالی است و اگر نخواهیم هر بار از صفر شروع کنیم باید به آن به آموختن از تحارب، اقدام کنیم. یادآوری نکات فوق از آن جهت سودمند است که بدانیم چقدر فقیه سر هستیم و اگر نخواهیم از این وضع خارج شویم چقدر نیا زمندیه کار جدی هستیم. بدانیم که آنان که بدنبال گنج نابوده رنج هستند ملعبه تاربخند و نه سازنده تاربخ.



ما در راه های ۱۰۰ ساله در مورد ضرورت شرکت چپ در روند سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نظرات خود را عنوان کردیم و توضیح دادیم که اگر چپ تنها بدیل حدی در مقابل رژیم بود باید همیشه استدلال کرد که بهترین شرایط برای شروع کار سرنگونی هنوز فراهم نیست و مثلاً باید در انتظار آماده تر شدن شرایط عینی و ذهنی و از جمله آمادگی بیشتر چپ - به امر تدارک پرداخت. اما در همانجا توضیح دادیم که اینگونه اگر چه چیزی جز پندار بافی را ثابت نمیکند. چپ نه تنها قوی ترین بدیل نیست بلکه هنوز با تبدیل واقعی اجتماعی نیست. سایر نیروهای اجتماعی که بنحوی در پی تغییر وضع هستند مستظراً اقدام چپ نمی مانند و نمایند. حرکت وسیعی جهت تغییر وضع شروع شده است و چپ ایران نمی تواند اعراض کند که چرا حرکت شروع شده است بلکه باید ببیند در مقابل وضع موجود چه اقدامی میتواند بکند. یک رژیم سبع هزاران انقلابی و آرزندانها شکجه میدهد و به جوخه اعدام می سپرد. گمانی نظیر ما هدین صرفنظر از ایرادات بینش و سیاسی خود با جدیتی قابل تحسین کمر به تغییر وضع بسته اند. بوی خون و باروت فضا را پر کرده است. و تمام شواهد حاکی است که وضع از این نیز بدتر خواهد شد. پروسه جنگ داخلی بهر حال شروع شده است. و مسقطی ما ندن بدلیل "ندم آمادگی" سزاوارنه تنها سرزنش که تحقیر خواهد بود. بنا بر این خوب یا بد، راه های متعددی برای انتخاب نمایند

مبارزات مسلحانه گذشته نفی شده گونی با پدیدهای اظهار مناسبت رو برویم که نیازی به اثبات ندارد. سازمان چریکهای فدائی خلق بلافاصله پس از انقلاب خط بطلان برگزیده خود کشید و لی آنقدر نه تنها و نه احساس مسئولیت نسبت به جنبش را داشت که برای یکبار هم که شده دلیل یا دلائل این نفی گذشته را بیان کند. حقارت کوردلانی که در بخش گذشته را نمی توانستند ببینند فقط با سکوت بیان شدنی بود. افسانه ایست ولی حقیقت دارد که سازمانی که همه چیز خود را مدیون مبارزات مسلحانه بود چه از نظر کیفی در پایین ترین سطوح ممکنه قرار داشت. اکنون بعنوان زمینه سازی برای بروز انحرافات مدعی تربعدی این یک یادگار رادیکالیسم گذشته را نیز نفی میکنند. تا هم امروز هیچ یک از بخشهای منشعب فدائیان این احساس وظیفه را نکرده اند که اگر سخنی در این باره دارند بیان کنند. از اکثریتی های خائن به خلق و خائن به شهدای گذشته خود چنین انتظاری بیهودا است، اما رفقای اقلیت در این باره چه میگویند؟ کسی نمیداند از میان سایر نیروها اردو سازمان میبشوان نام برد که تلاشی قابل ذکر جهت بررسی این موضوع کرده اند، گرچه این تلاش نه کامل بود و نه جامع و جزاینهم نمی توانست بود. توده عظیم تجربه در دست فدائیان بود و بلااستفا ده مانده بود. یکی از این سازمانها "راه کارگر" است که در ابتدای کارش طی جزوهای کوشید "مبارزات چریکی" را مورد انتقاد و نفی قرار دهد و طی این کوشش به تزی رسید برای خالی نبودن عریضه. مطابق این تزد در دوران سرکوب توسط رژیم مبارزه مسلحانه معارض است، در دوران اختناق (یعنی زمانی که رژیم تشبیه شده) معارض نیست. عاقلان در همان زمان نیز میدانستند که این "اوانس" به مبارزه مسلحانه زستی ظاهری است که برای خط کشی با تزه های حزب توده و اعوان انصار ابداع شده است. اگر گمانی در آن زمان در این برداشت شک داشتند امروز قاعدتا "بنا بد قانع شده باشند." سرکوب "از امروز وحشیانه تر متصور نیست. رفقای راه کارگر با بسند یکبار دیگر دست بکار شوند تا الزامات امروزی تیز اپورتونیستی دیروزی را نفی کنند. برآستی که گذشت زمان عبرت انگیز است.

سازمان دیگری که در مورد مبارزات مسلحانه گذشته نظر داشته است سازمان ما بود. مادر عین تا شید مبارزات مسلحانه گذشته، برخی از تصورات غلط در مورد میزان گاراشی و ارتباط آن با سایر شیوه های مبارزه را، هم در زمان جاری بودن مبارزات و هم پس از آن مورد انتقاد قرار دادیم. ما معتقد بودیم که انتظارات از مبارزه مسلحانه برای آگاه کردن توده های ناآگاه خطا است. مبارزه مسلحانه نمیتوانست نقش فعال کننده و بسیج کننده بخش های آگاه جنبش را بعهده داشته باشد. و داشت. علاوه بر این ما معتقد بودیم که مبارزه مسلحانه مجور تعیین -

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار

را با زلزام است هزار بار بذهن آوریم که مقولسه و محتوا و شیوه در عین ارتباط داشتن با هم از یکدیگر مستقل اند. بنا بر این مثلا این سؤال کسه " اکنون زمان کار تبلیفی است و یا مبارزه مسلحانه " متوالی مضحک است. مثل اینست که مثلا پرسیده شود ایران یک جامعه طبقاتی است و یا یک جمهوری است. جواب پیدا است: یک جامعه طبقاتی است که شکل حاکمیت آن جمهوری است. کما اینکه قبلا جامعه طبقاتی بود و شکل حاکمیت آن سلطنتی بود، و کما اینکه روزی جامعه غیر طبقاتی جمهوری خواهد بود. توضیح چنین مسائلی برای خوانندگان رهائی ممکن است غیر ضروری بنظر رسد ولی هنگامیکه مشاهده میشود که کسانی مدعی میشوند بجای مبارزه مسلحانه با بدکار تروریستی و تبلیفی و... کرد با این نکته پی میبریم که با بدحیثی ابتدائیات را نیز توضیح داد و گفت که دوستان! بحث در کار تروریستی و تبلیفی و... کردن یا نکردن نیست. البته با بدکرد. بلکه بحث در این است که این کارها را به چه صورتی یا به چه صورتی، به چه شیوه‌هایی انجام داد. آیا توسل انحصاری به شیوه‌های مسالمت آمیز (غیر مسلحانه) برای پیشبرد این امور (کار تبلیفی و تروریستی) کافی است و یا آنکه با پداز شیوه‌های مسلحانه نیز مدد جست.

این بحث‌ها باید در بحث‌های غالباً مبتدلی است که در زمان رژیم شاه در محافل اپوزیسیون جریان داشت و مطابق آن گرایش‌های سیاسی و گرایش‌های دیگری نظامی تلقی میشدند. سیاسی کارونظامی کار. محتوا در مقابل شیوه قرار می‌گرفت. یعنی بجای سیاسی و غیر سیاسی، نظامی و غیر نظامی (مسالمت - جسو) خواندن جریان‌ها، بجای اینکه گفته شود عده‌ای معتقدند کار سیاسی را باید بطور مسالمت آمیز انجام داد و عده‌ای معتقدند که با بدکار سیاسی را بطور قهرآمیز (محوری و یا غیر محوری بحث دیگری است) انجام داد. قضیه به صورت مبتدل سیاسی یا نظامی درآمده بود. شگردی اصلی این مہمل‌گویی حزب توده بود و ما شونستهای "فیلی خد توده‌ای" آن روز هم که تمام مفاہیم خود را از حزب توده - با دشنام به حزب توده! - می‌گرفتند عینا همین مہملات را تکرار میکردند. می‌گذریم از این مسئله که در داخل اردوی مبارزین مسلح هم این درهم گویی وجود داشت. آنها نیز بعنوان "دشنام به دیگران" سیاسی کار" خطاب میکردند. گویی کار خود آنها سیاسی نبود و شاید هم احتمالا برای عده‌ای نبود.

بهر حال تکرار این مہمل گویی بعد از ده سال واقعا منمیزکننده است و امیدواریم که لااقل کسانی که متوجه تما یز این مسائل هستند در نوشتار و گفتار خود آنها را تفکیک کنند و قضیه مثلا با این صورت در نیاید که هر کسی موافق سرنگونی قهرآمیز رژیم بود، "نظامی کار" است و هر کس مدافع عقب نشینی و انفعال شد "سیاسی کار".

بهر حال اگر با این تفکیک قائل باشیم و نیز اگر سرنگونی رژیم را نه یک مسئله مربوط به آینده‌های دور بلکه پروسه‌ای بینیم که هم اکنون شروع شده است و نیروهای اجتماعی مختلف درگیر آن هستند،

است. این گوی است و این میدان. عدم شرکت به منزله خودکشی است. در این نکته تردیدی نیست.

آحاد مبارزه

مبارزه کمونیستی، و هر نوع مبارزه آنها، هویت خاص خود را دارد. مبارزه‌ای که در محتوا و شکل، در برنامہ مبارزاتی و اهداف مطرح آن با برنامہ خرد بورژوازی تفاوتی نداشته باشد یک مبارزه خرد بورژوازی است صرف نظر از ادعاهای پشت آن و صرف نظر از ترکیب نیروهای آن. کمونیست بودن یک نام نیست. یک هویت است و اگر خصوصیات این هویت در حرکات مشخص نباشد بی هویتی. و این در شرایط غلبه مبارزه خرد بورژوازی یعنی خرد بورژوا بودن - مسلم است. بنا بر این در برنامہ و هر عمل کمونیستی ما رگ کمونیستی، محتوای کمونیستی باید مدین باشد، یعنی برنامہ ارائه شده، اهداف اعلام شده و شیوه مبارزه باید از حداقل مطالبات کمونیستی در لحظه معین کمتر نباشد. بدین ترتیب جمیع شیوه‌های مبارزه که در کسب با برنامہ مشخص هویت کمونیستی مبارزه را نشان میدهد، در یک مبارزه مشترک برای سرنگونی رژیم مورد توجه هستند. هیچ شیوه‌ای نیست که پیش از پیش نفسی یا پذیرفته شود، بلکه مجموعه کلی ارائه شده است که با بد حرکت به پیش مبارزه کمونیستی را تضمین کند.

هر حرکت کمونیستی حرکتی است در خدمت بسیج زحمتکشان. بنا بر این هر حرکتی با بد موجه بسودن خود را برای زحمتکشان توضیح دهد. بسی زحمتکشان بدانند که این حرکت خاص چرا انجام میگیرد. چه اهدافی را در بردارد و از همه مهمترین استای تحقیق آن اهداف چه اثر مشخصی دارد. بنا بر این نه تنها مقدم بر حرکت جدی، مجموعه خواستهای کمونیستی با بد بطور روشن و صریح و غیر قابل تفسیر و تعبیر در وسیعترین سطوح ممکنه توضیح داده شود بلکه اجزاء حرکت نیز با بد بطوری تنظیم شود که هم در صورت امکان خود بیا نگر اهداف خویش با شند و هم اینکه با توضیحات دقیق و روشنگر همراه باشند. حرکاتی که از جانب کمونیستها در ماه‌های اخیر شده است غالباً این خصوصیت را نداشته است و لاجرم تحت الشعاع حرکات مجاهدین بوده و در ذهن توده جزئی از اقدامات مجاهدین تلقی شده است. نه هنوز با زمانی و یا اشتقاقی برنامہ مشخص داده است، نه شیوه‌های مبارزه در اجزاء توضیح داده شده اند و نه اینکه رابطه اقدامات انجام شده با برنامہ کار مشخص گشته است.

مقولات کار کمونیستی، تبلیغ و ترویج و سازمان دهی هیچیک قابل صرف نظر کردن نیستند و هر حرکتی که برای این هر سه مقولہ برنامہ نداشته باشد محکوم به شکست است. اما اقدام در جهت اجرای این برنامہ ها - یعنی شیوه مبارزه - مطلقا تا بسع محتوای برنامہ است. هما شاور که گفتیم شیوه

مبارزه از قبل مشخص نمیشود. محتوای مبارزه است که شیوه اقدام را معین میکند. این مسئله بدیهی

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

آن اینست که فلان زحمتکش فقیر، فلان کارگر تحت استثمار، فلان کاسب جزء به فلاکت کشیده شده، جدال مجاهدین با رژیم را بیان خواسته‌های خُبر شود

ضمیمه جدال این دوشیز برای اوج‌دال دو

نیروی بیگانه است. به او زندگی او مربوط نیست. این زحمتکش از وضع خود راضی نیست. درست. ولی دلیلی ندارد که تصور کند با روی کار آمدن مجاهدین وضعی در پیون وضع او بهتر میشود. چرا چنین تصویری کند؟ مجاهدین از نظر طبقاتی کدام رادیکالیسم خاص را نشان داده‌اند، کدام برنامه واقعی اصلاح اجتماعی را عرضه کرده‌اند که انتظارات داشته باشند زحمتکش برای نجات از مصائب زندگی روزمره خود یا بدبختی آنها جلب شوند؟

آیا این امر که یکی مدعی دفاع از "اسلام راستین" و دیگری دفاع از "اسلام مکتبی" است برای توده زحمتکش معنایی دارد؟ اگر مجاهدین چنین بیندیشند

یا خود را فریفته‌اند و یا آنکه توده را دستکم گرفته‌اند.

توده‌ها دانش طبقاتی ندارند ولی فهم طبقاتی دارند.

آنها می‌فهمند که جدال این دونوع اسلام

جدالی برخاسته از خواسته‌های آنها نیست. آنها نه

این اسلام را می‌شناسند و نه آن اسلام را، اما

خواسته‌های خود را خوب می‌شناسند.

در چنین حالتی تضاد توده‌ها با رژیم در عین حال

که رشد می‌یابد میان خود را در تضاد مجاهدین با رژیم

نمی‌یابد. هر یک برای خود مبارزه میکنند بدون

آنکه ضرورتاً بهم پیوند یابند.

حکمی که در بالادادیم در مورد مبارزات چپ با

رژیم نیز بنحوی صادق است. چپ ایران در سه سال

اخیر مبارزه طبقاتی چشمگیری را سازماندهی نکرده

است و مبارزات سیاسی آن نیز صرفنظر از اصطلاحات

وتعابیر، در کل قابل تمایز با مبارزات مشغلا

مجاهدین نبوده است. بدین جهت توده‌های مردم

زحمتکش بطور ملموس ارتباط خواسته‌های خود با دعای

چپ را درک نمی‌کنند. توده‌ها ممکن است از ضرباتی

که به رژیم وارد می‌آید بخاطر رضایتی خود از رژیم

نوعی احساس رضایت کنند ولی ارتباط آنرا با

مسائل روزمره زندگی خود نمی‌بینند چون این ارتباط

بطور مستقیم وجود نداشته است.

مشاهده این واقعیت حیاتی‌ترین مسئله چپ است.

اگر چپ ایران معتقد است که انقلاب کار توده‌ها است.

و این را در سخن همه می‌گویند. اگر چپ ایران آنقدر

درایت دارد که عدم پیوند امر مبارزه طبقاتی

و سیاسی را لااقل از نظر توده‌ها ببیند. ولی این را

همه چپ نفهمیده است. بنا بر این مسئله مبهم

اینست که چگونه مبارزات چپ را با نیازهای سیاسی

و مبارزات توده‌ها پیوند داد. چگونه مبارزه سیاسی

را با مبارزه طبقاتی پیوند داد. این عاجل‌ترین

مسئله چپ است. و عاجل بودن آن در شرایط امروز

بیش از هر زمان دیگری است.

به دیگر سخن در شرایطی که علیرغم آمادگی چپ،

علیرغم آمادگی کامل شرایط عینی و ذهنی،

مبارزه نهائی تمهیل شده است و سرنگونی قهرآمیز

توده‌ای و فعالیت سازمانهای سیاسی مسئله حل شده است. یکی از دامان دیگری برمیخیزد و در اساسی با آن مرتبط و یگانا است.

در ایران، در دوران اخیر مبارزات، رودکوار

چنین نبوده است. علیرغم ازدیاد سریع ناراضی

توده‌ای، علیرغم آنکه فقر و فلاکت بخش اعظم زحمتکشان

به حدی عمیق‌تر رسیده است، معذرا دلایل مختلف هر

کات اعتراض آنان، جنبش آنان، پیوسته و عمیق ناراضی

آنان نبوده و از آن مهمتر خصوصیت طبقاتی و بی‌

راپیدان نگردیده است. بطوریکه امروز نمیتوان گفت

که جنبش طبقه کارگر شکل گرفته و توسعه نسبی

از گذشته است و یا آنکه سازمانهای کارگری

متشکل تر از گذشته هستند. نشان دادن خصوصیت طبقاتی

و به کارگری، لاجرم مبارزات کارگری را از لحاظ

سیاسی در مقوله خرده بورژوازی قرار میدهد

و آنرا کاملاً می‌کند از جو عمومی خرده بورژوازی غالب

از جانب دیگر تشدید تضاد، با بهتر بگوئیم حدت

یابی تضاد میان جریانهای سیاسی قوی درجا معمه

و در اینجا بهتر است بگوئیم میان مجاهدین و حزب

جمهوری اسلامی - نمايشگر تشدید تضاد طبقاتی

اجتماعی نبوده است. بلکه نماینده تشدید تضاد

سیاسی است. بعنوان مثال مجاهدین بمنبشوان

نماینده بخشی از توده‌ها در تضاد طبقاتی خود با

بخش دیگری عمل نکرده‌اند. زمانی هست که

مبارزات این با آن قشر یا طبقه اجتماعی با قشر

یا طبقه‌ای دیگر که از مبارزات اقتصادی شروع و به

مبارزات سیاسی ارتقاء می‌یابد موجب تشدید

تضاد است. مثلاً خرده بورژوازی تحت فشار قرار

میگیرد. یا بورژوازی مبارزه میکند (صرفنظر از

اینکه ما هیت تفاد محرک این مبارزه آنتاگونیستی

نیست)، برخواسته‌های اقتصادی خود یا فشاری میکنند

مبارزات اقتصادی را تشدید می‌دهد و بالاخره میان

خصوصیت سیاسی میدهد و این خصوصیت سیاسی هم‌گاه

میتواند حتی بصورت و شیوه قهرآمیز بیان شود. یکی

از تضادهای بخش مهمی از خرده بورژوازی با رژیم

شاه از این مقوله بود. اما امروز وضع چنین نیست.

تضاد مجاهدین و حزب جمهوری اسلامی بیان تضاد

طبقاتی مشخصی نیست. تضاد قدرتهای سیاسی است

و در عرصه سیاسی محدود می‌ماند. این مثلاً مجاهدین

نمیتوانند که در مبارزه خود با رژیم خواسته‌های اقتصادی

و طبقاتی بخشی از خرده بورژوازی را نمایندگان

میکند. توده طرفدار مجاهدین از لحاظ طبقاتی

با یگانگی کمابیش مشابه توده طرفدار رژیم دارد و

خواسته‌های طبقاتی مشابهی دارد. جدال این دوشیز

جدالی منبش از تضادهای روبنایی (ایدئولوژیک،

سیاسی،...) است. این دوشیز را از لحاظ

اقتصادی بدیل‌هایی مقابل هم نیستند. هر دو

طالب نوعی سرمایه‌داری دولتی هستند صرفنظر

از اینکه چنانچه به آن میدهند یا آنکه و چقدر جدی

هستند و یا چقدر امکان آنرا دارند. تضاد، تضادی

روبنایی است و این مهمترین ملاحظه در این جدال

است.

اما باید دید معنای این ملاحظه چیست. معنای

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

هنگامی که رژیم برای ادامه حیات ننگین خود از هیچ اقدام مسلحانه‌ای امتناع نمی‌کند، هنگامی که مبارزه مرگ و زندگی در جریان است تصور اینکه میتوان دشمن مسلح و پورش آورنده را صرفاً با اقدامات مسالمت‌جویانه سرنگون کرد و با آنکه جلوگیری از قتل عام را بدون توسل به اسلحه گرفت و با حتی از خود دفاع کرد، پندار خامی بیش نیست مبارزه شروع شده است. با تصمیم گرفت. باید تاکید کرد که مبارزه برای سرنگونی رژیم، به مبارزات مسالمت‌آمیز محدود نمی‌شود و ورود عنصر قهرآمیز به معنای یک عنصر ضروری و اجتناب‌ناپذیر امری حیاتی است. "سرنگونی" غیرقهرآمیز معادل تفهیم‌گرایی نیست و نه‌نا بود کردن یک رژیم. تردیدی نیست که از اکنون نمیتوان حدود و جزئیات امر را بدقت روشن کرد. این کار نه تنها از عهده هیچ نیروی واحدی ساخته نیست بلکه مجموعه نیروها پس از روشن کردن کل برنامه و دیدن همه جوانب کار نمیتوانند در مورد آن نظر دهند. بسیار ساده‌و آسان است که در خلوت پنا‌هگاه عناصری چند به نظر خود همه جوانب را بسنجند و "برنامه" دهند و با یکدیگر

و نه با جامعه بر سر چند و چون این یا آن ماده چک و چانه بزنند، این کارها نقد رسل است که عیث بکار آراء نفس‌کودکانه و یا در بهترین شرایط اقدامی حاکی از عدم احسان مسئولیت و با ابهام داشتن در مورد قدرت خود است. گام اول اینست که ضرورت وجود این برنامه با وسیع‌ترین شناخت از وضعیت نیروهای خودی و دیگران درک شود. نوشتن برنامه‌ای که برپایه چنین شناختی نباشد کاری بجز دا من زدن به بی‌برنامه‌گی جنبش نخواهد کرد. فریب و سرابی بیش نخواهد بود.

آیا اپوریسیون کمونیستی ایران و بویژه آن بخش از کمونیست‌ها تیکه به ضرورت سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی واقف هستند نمیتوانند در این بحرانی ترین ادوار عمر خویش چنین درایتی از خود نشان دهند؟ امیدواریم این بار آینده آموزنده و به عبرت آموز باشد.

نقیده بزرگ: اساسی ترین مسئله

ما در عین حال که به ضرورت سرنگونی قهرآمیز رژیم اسمان داریم، به مشکل بزرگی که در این راه وجود دارد نیز واقف هستیم و معتقدیم که مهمترین طایفه کمونیست‌ها اتخاذ ندابیر و تاکتیک‌های مناسب برای رفع این مشکل است. این اشکال مسئله پیوسته و پیوست مبارزات سازمانهای سیاسی با جنبش شده است. در این باره توضیح میدهیم. حداثت مبارزات اخیر نتیجه طبیعی حداثت مبارزات طبقاتی و توده‌ای نبوده است در دورانهای مصلحتی بارشائی و جنبش‌های توده‌ای اوج میگیرد و سازمانهای سیاسی به مثابه نمایندگان بخش‌های مختلف مبارزات خود را با رژیم گسترش میدهند و با افزودن کار به مرحله‌نشائی یعنی درگیریهای مسلحانه میکشد. در این دورانها مسئله پیوند جنبش

بحث اساسی با این خلاصه میشود که چه طرق و شیوه‌های برای تبلیغ و بسیج مردم وجود دارد و میسر است مسلحانه در این میان جایی دارد یا نه، و اگر دارد تا چه حد است.

بنظر ما در شرایطی مانند امروز کمونیست‌ها از هر وسیله‌ای که در دست دارند برای سرنگونی رژیم باید استفاده کنند. از آنجا که کسی در ضرورت تشدید مبارزات طبقاتی، برآه انداختن اعتصابات و حرکتها اعتراضی زحمتکشان تردیدی ندارد تا کید ما در اینجا در استفاده از هر فرصت کوچک و بزرگ کسی ضرورت ندارد. مطمئناً و قطعاً با ایدارن تمام نیروی خود در این زمینه‌ها بهره‌برداری کرد. این بهره‌برداری نه صرفاً بخاطر کمکی است که به سرنگونی رژیم میکنند که بخودی خود درست. بلکه بویژه بخاطر تاثیر شیری است که در اعتلا کیفیت طبقاتی

مبارزه دارد. مبارزات عمومی کنونی از لحاظ جنبه طبقاتی ضعیف و شکل نگرفته است. شرکت بخش مهمی از کارگران نه در زمینه طبقاتی خاصی بلکه در زمینه جو عمومی اجتماعی است. تردیدی نیست این حکم مطلق نیست و حرکات طبقاتی کارگران نیز بخشی از مبارزه را تشکیل میدهد و لسی این حرکات هنوز در بخشهای مهمی هویت کارگری پیدا نکرده و یا در وسعت و حدی که وضع و فهم کارگران می‌طلبند نبوده است. تا کید همیشه ضروری و فوری ضروری تر از همیشه کمونیست‌ها بر بسیج زحمتکشان یکی از مهمترین تضمین‌ها است برای ادامه کار و برای جلوگیری از قدرت با بی‌بدیلیهای غیر کمونیستی در مقابل کمونیست‌ها. اما این اقدامات امروز به تنهایی نتایج جنبش اعتراضی را به آورده نمیتوانند و برای سرنگون کردن رژیم هر چند لازم اما کافی نیستند. بخش قابل توجهی از زحمتکشان در تضاد خود با رژیم به حدی رسیده‌اند که آمادگی اقدامات رادیکالتری هستند، میتوانند با اقدامات رادیکالتر کمونیست‌ها جذب و بسیج شوند. در غیر این صورت روی آوردن این بخش به غیر کمونیست‌ها امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بخش‌های عظیمی از توده‌های راضی از مخالفین رژیم تقاضای "افشاگری" بیشتر را ندارند. آنها در تجربه روزمره خود این مسائل را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند. و هنگامی که می‌بینند جنگ در کوچه و خانه و خیابان در گرفته است بحق و به درستی خواهند شرکت در آن هستند. توده مردم امکان سرنگونی رژیم را می‌بینند. ممکن است همه آمادگی شرکت در آنرا هنوز نداشته باشند ولی تنها راهی که کمونیست‌ها میتوانند آنها را به شرکت در آن ترغیب کنند این است که نشان دهند آنان نیز امکان سرنگونی رژیم را می‌بینند و در جهت آن اقدام میکنند. و با لازم می‌بینیم که تکرار کنیم که بحث این نیست که از نظر کمونیست‌ها بهترین زمان برای شروع پیرویه سرنگونی رژیم فرا رسیده بود یا نه بحث اینست که این پیرویه بنا بر مکاتیم‌های شروع شده است و کمونیست‌ها بعنوان یک نیروی اجتماعی باید واقعیت را ببینند و برای شرایط واقعی برنامه‌ای داشته باشند و نه شرایط ایده‌آل.

پیش سوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

ایران و مطبوعات جهان

روزنامه لوموند در شماره ۱۲۵ و ۱۲۶ (۲ شهریور ۶۰) نوشت:

روزنامه اسرائیلی هآرتز - که بخاطر مستقل و جدی بودنش معروف است - در شماره ۱۲۳ و ۱۲۴ خود به پلمیک مربوط به ادامه روابط بازرگانی دولتهای اسرائیلی و جمهوری اسلامی، ابعا دنازه ای بخشیده است. این روزنامه از قول منابع صلاحتدار اقتصادی می نویسد که اسرائیل از چندین ماه پیش صادرات خود به ایران را از سر گرفته است. صادرات اسرائیل به رژیم اسلامی بالغ بر ۲۰ میلیون دلار است و این رقم یک سوم مبلغ صادرات اورشلیم به تهران در زمان شاه می باشد. البته در این رقم ارسال تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی منظور نشده است. به نوشته هآرتز، رژیم اسلامی در معاملات خود از "پوشش" شرکتهای اروپائی استفاده میکند. بازرگانی کالاهای صادراتی اسرائیل به بنادر ایران، در بندر هسای روتردام (هلند) و بنادر مختلف ایتالیا صورت میگیرد.

هفته نامه "الفریک - آزی" چاپ پاریس در شماره ۲۴۶ مورخ ۱۷ اوت ۸۱ در همین زمینه می نویسد:

"علی رغم تکذیب رسمی تهران، منابع دیپلماتیک در پایتخت ایران متحد القولند که به پیشنهادی در زمان نخست وزیری درخواست ارسال اسلحه و لوازم بدگی و تجهیزات ات نظامی از اسرائیل - که اکثرا ساخت آمریکا و یا منشاء آمریکائی دارند - آغاز شده و به نتیجه رسیده است. پیدا است که این معاملات از طریق مذاکره مستقیم بین مقامات ایرانی و اسرائیلی صورت نگرفته بلکه توسط یک افسر عالی رتبه بازنشسته یکی از کشورهای عضو پیمان ناتو، به عنوان رابط و فرد مورد قبول دودولت، انجام شده است."

روزنامه های جیره خوار و صدامی دروغ بیاف رژیم جمهوری اسلامی، پس از خروج فرانسویان از ایران اعلام داشتند که فرانسویان راضی به خروج از ایران نبودند و با بی میلی کشور را ترک کردند. مطبوعات خارجی بویژه فرانسوی دقیقاً عکس این ادعای دروغین را اظهار داشته اند و در این زمینه برای نمونه، نکته ای آرفیکارو، مورخ ۷ اوت ۸۱ نقل میکنند:

"وقتی که سفارت فرانسه در تهران تصمیم دولت را به فرانسویان مقیم ایران اعلام داشت، در مدتی کمتر از یک ساعت، حدود ۶۰ نفر از (میان حدود ۱۰۰۰ نفر) فرانسویان مقیم ایران، در فرودگاه مهرآباد حاضر شدند."

در هنگامیکه دولت جمهوری اسلامی برای اطمینان بخشیدن به دولت فرانسه اعلام میداشت که فرانسویان مقیم ایران نیاید به هیچ وجه نگرانی داشته باشند، سخنگویان "غیر رسمی" ولی موثر رژیم نظیر آیت اله مشکینی نظردیگری اببراز میداشتند:

"آیت اله مشکینی در اقامه نماز جمعه قم اعلام کرد که در صورت پی بردادن بنی صدر جنا پیکار و رجوی تروریست، ملت مسلمان ایران بهمان ترتیبی با فرانسه عمل خواهند کرد که قبلاً با آمریکا ثیان کردند" (لوموند - ۸ اوت ۸۱)

"گفته های آیت اله مشکینی در نماز جمعه قم موجب نگرانی هایی در فرانسه شده است چرا که اشمه جماعت قم و تهران از سخنگویان موثر خمینی میباشند... خمینی ناظر امروز، شبیه هیچ مطلبی درباره روابط ایران و فرانسه بیان نکرده است - گرچه در مورد گروگان گیری آمریکائیان نیز از قبل از وقوع آن چیزی نگفته بود و فقط بعد از انجام عمل، از آن پشتیبانی کرد" (لوموند - ۹ اوت ۸۱) "با وجود سخنان اطمینان بخش وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، واقعیت امر اینست که در ایران امروز، سخنان یک وزیر در مقابل گفته های یک آخوند را با پدیده هیچ گرفتار (فریکارو، ۷ اوت ۸۱)

پس از خروج فرانسویان از ایران، ممنوعیت تمامی بنی مدرورجوی نیز عملی گردیده شد. حزب سوسیالیست (حزب حاکم) فرانسه، اعلامیه ای داد که در آن بطور ضمنی از بنی مدرورجوی حمایت شده است. قبل از نقل یکی دو عبارت از این اعلامیه بد نیست یک نکته عجیب را متذکر شویم: رادیو تلویزیون های دولتی فرانسه که بیان نگر نظردولت سوسیالیست فرانسه است گرایشی آشکار به سلطنت طلبان و طرفداران شاهپور بختیارشان میدهد و در رابطه با مسائل ایران، رادیو تلویزیون های دولتی فرانسه بنحوت تقریباً انحصاری به طرفداران شاهپور بختیار و سلطنت طلبان چشم می دوزند. در حالیکه حزب سوسیالیست فرانسه بطوریکه در زیر مشاهد میشود، نظرد دیگری دارد:

"... اوضاع ایران که از پیا مدهای آن و خیم شدن رابطه فرانسه و مقامات ایرانی است باعث نگرانی حزب سوسیالیست فرانسه است. پروسه ای که منجر به عزل پوزیدان بنی صدر و روی کار آمدن جانشین او شد، افزایش شدید اعدام ها را به دنبال داشت... دولت ایران بموازات جنگ با عراق، منازعه داخلی علیه خواستهای اقلیت های ملی از جمله کردها را دنبال میکند که در تداوم خود میتواند به جنگ داخلی تمام عیار تبدیل گردد. بران سزوی سیاسی ایران در صحنه بین المللی بایست مشکلات عظیم اقتصادی را اضافه کرد. تشعب خشک سیاسی - مذهبی، خواستهای آزادخوا-

هائیه مردم ایران را که سالها در حال مبارزه اند، به یاسی بدل کرده است. این شرایط بهیچ عنوان نمیتواند تظاهراتی را - که سهمی بزرگ در این تحولات منفی ایران دارد - موجب طوه دهد. حزب سوسیالیست فرانسه که به افشاء دیکتاتوری شاه دست زده بود، اعمال رژیم فعلی را نیز که بهمان میزان سرکوب - گرانه است، محکوم میکند (لوموند - ۱۶-۱۷ اوت ۸۱).

هفته نامه "افریق" - آزی - در شماره ۱۷ اوت ۸۱ درباره جنگ ایران و عراق نوشت: "حزب جمهوری اسلامی (درست در زمانیکه سازمان آیت الله بهشتی برای بدست گرفتن کامل قدرت نقشه می کشید)، خواستار جنگ ایران و عراق بود تا بدین وسیله ارتش را با جنگ مشغول کند. از طرف دیگر مسعود رجوی اظهار داشته است: مدارک ضبط شده بر روی نواد را اختیار دارد که نشان میدهد دروگان چون حاکم دست به تحریک عراقی ها زده اند".

ژان گیراس، خبرنگار رورنا میگوید: "مفصلی با مسعود رجوی بعمل آورد که در شماره ۱۶-۱۷ اوت ۸۱ آن روزنامه به چاپ رسید. در زیر دوسه نکته جالب این مصاحبه را نقل میکنیم. خبرنگار روموند می پرسد:

"آیا شما با جمهوری اسلامی موافقت میکنید؟" رجوی جواب میدهد:

"ما خواستار رژیم اسلامی دموکراتیک هستیم که با جمهوری اسلامی خمینی - که ارتجاعی و غیر اسلامی است - فرق دارد.

(فراموش نکنیم که دوسال و نیم پیش، قبائل از برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی، مهربانی با زرگان نیز خواستار "جمهوری اسلامی دموکراتیک" شده بود که این مطلب در روزنامه های همان ایام نیز منعکس شد).

مسعود رجوی در پاسخ به یک سؤال دیگر خبرنگار روزنامه میگوید:

"... این تنها شاه نبود که ما را متهم به مارکسیست اسلامی میکرد. خمینی هم اینکار را میکند... ((در حالیکه)) ما مسلمانیم، و افکار فلسفی مان بکلی با تئوریهای مارکسیستی فرق میکند."

ژان گیراس از رجوی می پرسد:

"چه کسانی میتوانند در شورای ملی مقاومت شرکت کنند؟"

رجوی در جواب میگوید:

"تمام کسانی که اصول ما را در مورد آزادی و استقلال بپذیرند میتوانند در آن شرکت کنند بشرط آنکه با شاه و خمینی همکاری نکرده باشند" (تا کیدها از ما است).

خبرنگار موقع شناس و نکته مسج لوموند بلافاصله سؤال میکند:

"پس برای شما بنی هدر را که یک مال و نیم رئیس جمهور رژیم خمینی بود، کنار

میگسدا رید؟" رجوی که در انتظار چنین سؤال ظریفی نبود، میگوید که قضیه را ما ست مالی کند: "فکر نمیکنم آنچه شما می گوئید درست باشد: من نمیخواهم نقش وکیل مدافع آقا بنی صدر را ایفا کنم... ما ((بنی صدر و مجاهدین)) در یک مورد مشخص یعنی دموکراسی و عدم پذیرش دیکتاتوری بهم ملحق شده ایم."

روزنامه لوموند، در ۱۳ اوت ۸۱، عکسی از دانشجویان مبارز ایرانی بهنگام اشغال سفارت جمهوری اسلامی در اسلو (نروژ) به چاپ رسانده است. در این عکس، دانشجویان مشغول سوزاندن عکسها و کتابهای آیت الله خمینی هستند.

پس از ورود مسعود رجوی به پاریس، نشریه جدیدی بزبان فارسی با بهره وجود گذاشت بنام "نشریه انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه" که شماره سوم آن در شهریور ۸۱ انتشار یافت. در سر مقاله شماره ۳، که گویا بقلم مسعود رجوی نوشته شده از جمله آمده است:

"ارتجاع حاکم با همه عقب ماندگی و کندذهنی اش این نکته را بخوبی دریافته است که سفر مسئولین شورا ((ی ملی مقاومت)) به پاریس، سقوط قریب الوقوع حکومتش را بیش از پیش تسریع میکند.

در همین شماره نشریه اعلامیه ای از مجاهدین مورخ ۳۱ مرداد ۸۱ که از اردیبهشت ۸۱ از مجاهدین پخش شده چاپ گردیده و در بخشی از آن آمده است:

"اعضاء مجلس، نماینده و مسئولین، اعضاء سایر ارگانها و نهادهای ارتجاعی فضا نشی، انتظامی و تبلیغاتی" اخطار میشود در صورتیکه از مناصب و موقعیتهای خود استعفاء ندهند در تمام جنبایات خمینی و رژیم ارتجاعی او سهم و شریک بوده و از قهر خدا و خشم استقام خلق و نیروهای انقلابی و مقاومت مردمی در امان نبوده و به سزای شرکت در این جنبایات خواهند رسید."

در شماره ۴ نشریه، چندین پیام چاپ شده است که هر یک از آنها دارای معانی خاصی سیاسی میباشد و اطلاع از آنها حائز اهمیت است:

۱- چاپ اعلامیه ای از سازمان عقوبتین المللی و بیامیه ای پشتیبانی این سازمان از مجاهدین و رجوی.

۲- چاپ پیام مورخ ۱۲ اوت ۸۱ حزب سوسیالیست ایتالیا (که رئیس جمهور کنونی این کشور نیز عضو این حزب است) به مسعود رجوی - در بخشی از این پیام خطاب به رجوی آمده است:

"سفر پرخطر شما را ایران و ورودتان به فرانسه را صمیمانه تبریک گفته... خواستار برسمیت شناخته شدن نقش اصلی شما در سطح بین المللی بوده و آرزو مند بارگشت شما و پیروزی مردم ایران می باشیم."

۳- "حزب دموکرات کردستان ایران - تشکلات

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

"مجا هدیین خلق و سا بیر نیروهای ضد خمینی به حملات خود علیه پاسداران اسلامی در تهران و سایر نقاط همچنان ادامه میدهند. طبق گزارشات واسطه، پنج پاسدار از یک مفاز در تهران بیرون کشیده شده و در گوشه خیابان اعدام شده اند. همچنین گفته میشود که ۲۶ تن از نمایندگان برگزیده خمینی در دادگاه های انقلاب در نقاط مختلف کشور توسط نیروهای مخالف رژیم بقتل رسیده اند."

▲ اکنون میست لندن در شماره ۵ مورخ ۵ سپتامبر ۸۱ مینویسد:

"اگرا و ((خمینی)) کشته شود بنظر من میرسد که حزب جمهوری اسلامی قادر به ادامه کار باشد. در بین آخوندها اتفاق نظری وجود ندارد. دویا سه تن از آیت الله ها، که از نظر مقام و دانش بر آیت الله خمینی برتری دارند، از حزب خارج مانده اند و بنحوی غیر فعالی به نقش رهبری خمینی و دیگر روحانیون در سیاست، انتقاد دارند... نیروهای مسلح دقیقا بیطرف مانده اند؛ رهبران آن وفاداری شخصی خود را نه به رژیم بلکه به آیت الله خمینی - همچون ژنرال های آلمانی به هیتلر - اعلام کرده اند و بی توده ها بکبارچه نیستند؛ نیروی دریایی همواره محافظه کار و سلطنت طلب بوده در حالیکه نیروی هوایی به جمهوری خواهی و چپ گرایش داشته است."

اروپا "پیامی برای" سازمان مجا هدیین خلق ایران "و آقای مسعود رجوی" می فرستد و در اعلامیه ای به امضاء "مجا هدیین خلق ایران" پاریس، ۶۰/۵/۳۰، از پیام آنها تشکر می شود.

۲- مهمترین ریشه، چاپ پیام "حزب کمونیست سوئیس" مورخ ۱۲۱ و ۸۱ (شهریور ۶۰) خطاب به مجا هدیین است که در آن از جمله اشاره میشود که انقلاب ایران را "نیروهایی مختلف و بعضا" متضاد و طبقات و بخشه های اجتماعی گوناگون" بوجود آورده اند.

"اما دیری نمی پاید که اختلافات بین مسلمانان قشری و جناح های مترقی، دموکرات و سوسیالیست ها آغاز میشود. مسلمانان قشری به تنهایی برای ایران حکومت میکنند ولی هنوز اثبات نکرده اند که مایل به تحقیق اصلاحات عمیق و دموکراتیک میباشد."

در پیام "حزب کمونیست سوئیس" پس از اشاره به "فقدان یک برنامه اقتصادی و اجتماعی" در جمهوری اسلامی، سیاست خارجی "مسلمانان قشری" که "فقدان شوری و ضد کمونیست" است مورد انتقاد قرار میگیرد و اضافه میشود که "فد کمونیست بودن در سیاست داخلی ایران نیز بخوبی محسوس است. نمونه حساسیتهای خونین با نیروهای که قاطعانه ضد امپریالیست میباشد برای آینده و تکامل بعدی انقلاب، مضراست." "مجله تایم" در شماره مورخ ۲۱ سپتامبر ۸۱ درباره اعدای دشمنی و مخفی رژیم جمهوری اسلامی مینویسد:

"در شب ۲ سپتامبر ((۲۱ شهریور ۶۰)) یک گروه از پاسداران اسلامی تاندان مسلح، در کاروانسرای جیب هاومینی بوسهای خالی وارد محوطه زندان اوین در شمال تهران شدند. در حضور نگهبانان خواب آلوده - و متعجب - زندان، ۱۵۰ نفر از زندانیان را، که بسیاری از آنها اخیرا بطرحه جرایم سیاسی توسط دادگاه های واپس گرای رژیم تحسینی محاصره ای خمینی محکوم شده بودند، جمع آوری کردند. و این عده را در گروه های هشت الی ده نفری، بطرف جیب هاومینی بوسهای در حال انتظار بردند."

"تایم" مینویسد که: از طریق منابع داخل رژیم خمینی مطلع شده است که زندانیان، از جمله تعدادی جوانان کم سال، از اوین به مکانهای نامشخصی برداشته و بقتل رسیدند. اقوام سایر مخالفین اعدام شده که "تلی از اجساد بدون مراتب" در گورستان سبزه زهرا، در جنوب تهران، سرگردان بودند موفق شدند که پاره ای از زندانیان را پدید شده را شناسایی کنند. "تایم" اضافه میکند که ناظران در تهران معتقدند که عکس العمل مخالف هم در ایران و هم در خارج دو مقابل موج کشتارها، خمینی را وادار کرده است که ((علاوه بر اعدای هر روزی اعلام شده توسط رژیم)) به روشهای مخفی شاه توسل شود.

این نشریه در جای دیگری در همین شماره مینویسد:

کمکهای مالی دریافت شده

آمل	بوکان	منهد
ش	ع	ف
۳۱۱۱	۲۰۰	۵۰۰۰
بدون کد	ع	۵۰۰۰
۱۰۵۰	۷۰۰	رفقای هوادار
اصفهان	رشت	۱۰۰۰۰
ک	ز	انگلستان
۲۰۰۲۱	۷۰۰۰	بدون کد
بایل	۵۰۰۰	۳۰۰۰۰
ش	بدون کد	شیکاگو
۴۰۰۰	۵۰۰۰	م - ب
بدون کد	کرج	۵۲۵
۲۰۰۰	ن	ش - ف
بروجرد	۱۰۱۲	۲۹۰۰۰۰
بدون کد	کرمانشاه	لس آنجلس
۱۱۰۰	الف	ع
بندر عباس	۳۳۲۰	هوستن
۴۰۰۰	۵۳۲۱	د - ه
	ن	۱۰۰۰
	۱۱۱۱	رفقای هوادار
		۲۵۰۰۰۰

مرکز برامپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

گشایش مدارس،

گشایش سنگری دیگر در راستای مبارزات انقلابی

ارتجاعی کتب درسی و... از طریق شعار نویسی در مدارس و سایر اماکن، در صورت امکان دادن اعلامیه و پخش محفل آن در مدرسه افشا کنید. عوامل رژیم در مدارس مثل اعضای انجمنهای اسلامی و مسئولین امور تربیتی را شناسائی و اساسی آنها را بطریق مختلف اعلام کنید. تنها وظیفه این جاسوسان همواره شناسائی دانش آموزان چپ و انقلابی میباشد.

ج: امکانات مختلف مبارزاتی را شناسائی کنید. با تهیه امکانات تکثیر و پخش (هرچند که این امکانات محدود و بدوی باشند) اعلامیه های سازمانهای چپ انقلابی را تکثیر و توزیع نمایید. در این زمینه حتی می توان در صورت عدم دسترسی به ماشین پستی کپی به دستگاه زیراکس، پلی کپی الکتریکی، دست نویسی و یا پلی کپی دستی (که میتوان با چند تکه چوب و عسلک درست کرد) استفاده نمود.

ب: بطور فمالت از مبارزات توده ها و مبارزین انقلابی حمایت کنید و به آنها یاری رسانید.

ه: همواره بخطر داشتید که دشمن هرگز قادر نخواهد بود مبارزه ای متشکل، متحد و یکپارچه و توده ای را سرکوب نماید و بنا بر این باید تمام کوشش خود را برای ایجاد چنین کارزاری بکار ببریم. دانش آموزان مبارز و انقلابی.

مبارزات شما در سالهای گذشته و رشادت ها و فداکاری های شما صفاتی زرین در دفتر مبارزات خلقهای ستمدیده میهن را تشکیل میدهند. اکنون نیز با وجود اینکه گسترش دهشتناک ترور و اختناق توسط رژیم مبارزه را بر پیچ و هم تروها در ساختن است با یک کوشش با شرکت هر چه گسترده تر در همگامی با مبارزات فداستشما ری کارگران و سایر زحمتکشان و با پیوند مبارزات انقلابی خود با مبارزات سایر توده های مردم، وظیفه سنگینی را که بدوش شماست به بهترین نحو ادا نمائید و بدانید که شما در همگامی با مبارزات فداستشما ری طبقه کارگر و پیروزی این مبارزات است که مبارزه ای واقعی فداستشما ری را پیش برده چه، "مبارزه فداستشما ری نیست. مبارزه علیه سرمایه داری نیست."

آنچه در این جهت بسیار ضروری و حیاتی است بهره از گروه گراشی و سکتاریسم و کوشش خستگسی - با پذیر برای یکپارچگی مبارزات است. نیروهای انقلابی و مبارز، چنانچه متحد و متشکل حول شعار محوری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزات خود را سازمان دهند، بدون خرید و فروش و توافقی بیاری از توطئه های رژیم را نقش بر آب کرده و پیروزی این مبارزات را تا حدود زیادی تضمین نمائید.

دانش آموزان مبارز و انقلابی

روستایی سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از مدتی پیش آغاز شده است. بکوشیم با طبقه در صفی ۱۱

با فرارسیدن اول مهر سال ۱۳۶۵ و گشایش مدارس کشور، بار دیگر رژیم ارتجاعی تبلیغات وسیع و همه جانبه خود را به همراه تهدید و اعراب علیه نیروهای انقلابی و مبارز تشدید کرده اند. رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی که ادامه ی حیثیات سنگینش را مدیون زندان و شکنجه و اعدام مبارزین و بسیج اوباش و جماعت بدستان است و حشمت زده از گسترش مبارزات توده های زحمتکش، سعی دارد با تمام قوا از تبدیل مدارس کشور به سنگر مبارزه و شرکت دانش آموزان انقلابی در مبارزات حق طلبانه توده های مردم جلوگیری کند. گسترش شبکه های انجمن های اسلامی که در حقیقت نقش ساواک رژیم را برعهده دارند، دادن اختیارات نامحدود به مسئولین امور تربیتی، خودداری از بنا منویسی مجدد دانش آموزان با سابقه "نامطلوب" و قرار دادن اسامی آنها در اختیار کمیته ها، اخراج کلیه معلمین مبارز و مترقی، تحت فشار قرار دادن خانواده ها برای کنترل فرزندان خود، مدور بیانی ها و اطلاعاتی های شاد و غلاظ از جانب مسئولین معینی بر سر خوردن توده ها به هرگونه فعالیت سیاسی در مدارس فقط گوشه ای از تلاشهای مذبح خانی رژیم جهت حفظ "آرامش گورستان" در مدارس کشور است.

اما رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی از آنجا که میدانند با وجود تمام این تمهیدات قادر به سرکوب مبارزات دانش آموزان نیست، از هم اکنون به تعطیل کشاندن مدارس را تدارک دیده و در روزی - نامه های وابسته بخود زمزمه "انقلاب فرهنگی" در مدارس را آغاز کرده است.

با این همه رژیم خود نیز میدانند که قادر نخواهد بود از اوج گیری مبارزات دانش آموزان انقلابی جلوگیری کند. ماههای آینده بیش از ۱۳ آبان های پیشماری را تجربه خواهد کرد و دانش آموزان میهن ما، این فرزندان زحمتکشان و ستمدیدگان بار دیگر نشان خواهند داد که تسلیم زور و اعراب و ترس نخواهند شد.

دانش آموزان مبارز و انقلابی

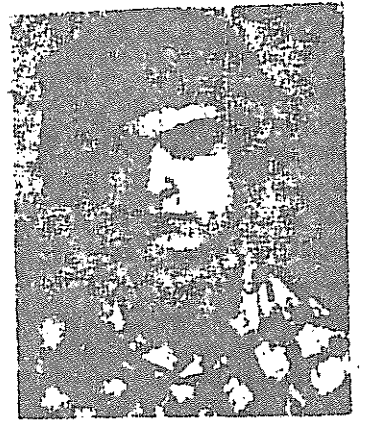
با زدن مدارس و تجمع شما در کلاسهای درس - فقیهت بسیار مناسبی برای گسترش مبارزات شماست. شما باید ضمن حفظ هوشیاری انقلابی و خنثی کردن توطئه ها و دسیسه های دشمن از این موقعیت برای افشای رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی استفاده کنید با یک کوشش کنید:

الف: با ایجاد دسته های مخفی مقاومت متشکل از دانش آموزان انقلابی در سطح مدارس، برگزاری جلسات مخفی برای بحث و مطالعه و برنامه ریزی مبارزه، نقش خود را در همگامی با مبارزات انقلابی توده ها ایفا کنید.

ب: ماهیت ارتجاعی رژیم و مزدورانش را با نشان دادن اهداف برنامه های آموزشی رژیم، نقش انجمن های اسلامی و مسئولین تربیتی، محصلان

گرامی باد خاطره رفیق

یوسف
یوسفی



دوران کوتاه فعالیت‌های دانشجویی وی یکی از فعالین جنبش دانشجویی در شیراز بود و در بورس و احتیاجات رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاهها در بهار سال ۵۹ تحت پیگرد قرار گرفت و در اردیبهشت همان سال در جریان مقاومت دانشجویان رزمندهی دانشگاه شیراز به اتفاق چندتن دیگر از زلفا دستگیر و زندانی شد. در زندان تحت شکنجه‌های بدنی و روحی زندانبانان رژیم محمور شد و برای مصالحه به بیمارستان اعزام گشت. در آنجا او موفق شد با هوشیاری انقلابی از چنگ دژخیمان رژیم بگریزد و مجدداً به صفوف مبارزه باز گردد. رفیق یوسف در تابستان ۱۳۵۹ برای گذراندن دوره‌های آموزش نظامی و شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد از طرف سازمان به این منطقه اعزام گردید و از آغاز سال جدید از طرف سازمان به اصفهان رفت و بعنوان یکی از مسئولین سازمان در این شهر به فعالیت پرداخت.

رژیم جنایتکار خمینی بعد از دستگیری مجدد وی در اول تیر ماه سال جاری، او را تحت شکنجه‌های شدید قرار داد بطوریکه هنگامیکه جسد او تحویل خانواده‌اش گردید در روی بدنش آثار شکنجه‌های شدید به وضوح قابل رویت بود. از جمله دو جای سوختگی شدید در ناحیهی شکم و پهلو و شکنجه فک، سیاه شدن تمام انگشتان دست، آثار شلاق در پشت بدن، اثر سوزاندن شدید در پهلو و راست که عبارت "الله اکبر، خمینی رهبر" قابل خواندن بود. بر اساس نظر پزشکان، علت مرگ وی نه تیرباران (با وجود اینکه جای گلوله در بدن وی مشاهده میگردید) بلکه ضربه‌ی شدید به پهلوها و او بوده است. به این ترتیب روشن است که پادشاهان جانی قبل از تیرباران وی را با شکنجه به قتل رسانده و سپس برای رد گم کردن گلوله به جسد بیجان او شلیک کرده‌اند. با این ترتیب رفیق یوسف یوسفی، به "جنرم" حمایت از خواسته‌های زحمتکشان و مبارزه در راه سوسیالیسم به همراه مددا انقلابی و مبارز دیگر توسط مزدوران رژیم خونخوار خمینی به شهادت رسید. باد ای همواره زنده خواهد ماند و دیری نخواهد پایید که توده‌های ستمدیده‌ی ایران انتقام خون او و هزاران شهید راه رهایی خود را از رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی باز خواهند ستاند.

بادش گرامی باد

در روز جمعه ۶ شهریور ۱۳۶۰، دادستانی ضد انقلاب در اصفهان، اعدام یکی دیگر از رفقای ما را اعلام کرد. این رفیق یوسف یوسفی، از اعضای فعال سازمان بود که در روز دوشنبه اول تیر در بازرسی بدنی در اصفهان، در حالیکه ته‌تهدادی تشریه و اعلامیه به‌مراه داشت، بازداشت شده بود.

رفیق یوسف در سال ۱۳۳۶ متولد شد و در پایان سال ۱۳۵۴ پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان به‌سرای ادامه‌ی تحصیل عازم آمریکا گردید. و در آنجا با تشکلات سازمانهای دانشجویی کنفدراسیون آشنا گردید. وی به‌زودی به‌صورت یکی از کادرهای فعال جنبش دانشجویی درآمد. در جریان همین مبارزات در سال ۱۳۵۶ با "گروه اتحاد کمونیستی" آشنا گردید و اولین فعالیت‌های تشکلاتی خود را با "گروه آغاز کرد. رفیق یوسف در بهار سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در جریان جنبش رو به اوج توده‌های مردم علیه رژیم استبدادی و وابسته به امپریالیسم شاه فعالیت‌های تشکلاتی و به اتفاق چند تن دیگر از رفقا سلولهای تشکلاتی جندی را در شیراز سازمان داد.

در سال ۵۸ رفیق به عضویت سازمان درآمد و در همین دوران در کنکور رشته‌ی ریاضی دانشگاه شیراز شرکت کرده و به دانشگاه راه یافت. در

سنگونی...

رژیم ضرورتاً و با لاجبار در دستور کار قرار گرفته است چپ ایران با دیدبندیش که چه تدابیر و تاکتیک‌های می‌تواند اتخاذ کند که مبارزاتش برای توده‌های زحمتکش معنای واقعی پیدا کند و آنها را متقاعد کند که امروز جنگ سازمانهای سیاسی با هم نیست بلکه جنگی است بخاطر تضاد طبقات مختلف. تنها بدین طریق است که توده‌های زحمتکشان بطور فکمال در این جنگ درگیر میشوند. تنها در صورتیکه توده‌ها جنگ را مربوط به خود بدانند ماده حرکت وسیع میشوند. دستور عمل سازمانهای چپ باید سبیل جنگ سازمانهای سیاسی (چپ و رژیم) به چپ

توضیح...

انتشار رهاشی برای چند شماره با وقفه مواجه شد. این امر بواسطه‌ی اشکالات تکنیکی که اعمال شدیدترین جوخه‌فغان از طرف رژیم حاکم رفع سریع آنها را برای ما میسر نمی‌ساخت، بوجود آمد. از این پس خواهیم کوشید تا انتشار رهاشی حتی الامکان بی وقفه انجام پذیرد.

طبقات مختلف است. این کاری سهل نیست. دشوارترین کار است. ولی کار دشواری است که بدون انجام آن انقلاب هرگز روی پیروزی را نخواهد دید.

اخبار...

سفر

چندی قبل، دانش آموزان سال چهارم نظری در رشته اقتصاد، هنگام برگزاری امتحانات نهایی، در اعتراض به جو نظامی حاکم بر جلسه امتحان یعنی حضور پاسداران و جاشها، همگی با دادن ورقه سفید جلسه را ترک کردند. در نتیجه این امر، اداره "موزش و پرورش" ناچار شد از ورود پاسداران به جلسه جلوگیری کند. بدنبال این پیروزی دانش آموزان کرد، امتحانات عقب افتاده برگزار و به اتمام میرسد.

لیکن پس از درگیری فوق الذکر در روز پنجشنبه ۵ شهریور، اداره "موزش و پرورش" در یک اعلامیه بلند پیالا و بدون ذکر هرگونه دلیل سال چهارم اقتصاد را منحل اعلام، و همچنین "دانش آموزان سال چهارم اقتصاد شهرستان سقز" را به مدت دو سال از امتحان محروم میکند. ارتجاع حاکم که با تمام امکانات خود به هر سو جنگ می اندازد، عاجز از مقابله با دانش آموزان مبارز به خیال خود آنسان را از امتحان محروم می سازد. غافل از اینکه این دانش آموزان از امتحان در مدرسه جامعه موفق بیرون آمده اند و به روشنی ثابت کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم های و هوای تبلیغاتی خود، در گردستان در منتهای انفراد و زبونی بسر میبرد.

مشهد

به گزارش شهرداری مشهد، در ظرف ۱۵ روز اول مرداد، ۲۱ مورد آتش سوزی در شهر مشهد رخ داده است که یازده مورد آن در اثر پرتاب کموکتل مولوتف بوده است.

"دادستان انقلاب" ارتش مشهد تا ۱۰ شهریور به افسران بازنشسته مهلت تحویل اسلحه های خود را داده بود. همچنین مدت یکماه از ۱۷ مرداد الی ۱۷ شهریور برای تحویل سلاحهایی از ارتش و سایر نیروهای مسلح که در اختیار اشخاص عادی است مهلت تحویل آنها اعلام شده است.

شخصی بنام فلکی، دانشجوی دانشکده علمی دانشگاه مشهد، عضو کمیته مرکزی مشهد در خیابان جم است و در اکیپ های حمله به خانه های انقلابیون شرکت دارد.

گشایش...

شوکت فعال خود در این مبارزات، هرچه سریعتر به عمر معنوی رژیم پایان دهیم. پیروزی از آن ماست.

سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی
مرگ برای مهربانانیم جهانی به سرگردگی
امیریا لیمم آمریکا
نا بود با سرمایه داری
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان وحدت کمونیستی

۳۲۰ خاکستری تیره به شماره تهران ۰۳۲۵۷۵
همچنین افراد زیر از جاسوسان رژیم ارتجاعی سرمایه داری هستند:

۱- علی فالانز: صاحب یک مغازه موکت فروشی در خیابان سهروردی (فرح جنوبی سابق) با ارتزجهار راه دیبا) است و مغازه وی چندی قبل به آتش کشیده شد. منزل وی در خیابان میرهادی، کوچه زنبق است. وی چند نفر را تا کنون لو داده است و اخیرا نیز مسلح حرکت میکند.

۲- رحمان خان: صاحب یک مغازه خرازی در خیابان تخت طاووس سابق، خیابان میرهادی، بالاتر از کوچه گل سرخ است و چند نفر را تا کنون لو داده است. اخبار زیر را از یک بولتن خبری تحت عنوان "نشریه خبری - شماره ۱ - شهریور ۱۳۶۰" به منظور انتشار و سیعتر آنها نقل میکنیم.

در چند هفته اخیر از وزارتخانه ها، بانکها، واحدهای صنعتی و خدماتی دولتی خبر می رسد که اعضای انجمن ها و شوراهای اسلامی به منظور فرار از عقوبت به طرز بی سابقه ای به استعفا پناه برده اند. در برخی از بانکها و وزارتخانه ها درصدا استعفا ها به رقم بالایی ۵۰ درصد هم رسیده است. وحشت این خادمین همیشگی قدرت را به وضوح در تمام اخبار وزارت کار که به عاملین خبرچین و جاسوسان این انجمن ها و شوراهای رشوه خیز می دهند میتوان دید. اطلاعات ۱۴ مرداد ۶۰ چنین میگوید: "طبق تصویب شورای عالی کار، هیئت موسسین و اعضای شوراهای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی صنعتی، خدماتی و کشاورزی از اخراج معون شدند."

رژیم جمهوری اسلامی بهر قیمتی مایل به حفظ ابزار سرکوب خود است. مثلا امتیازات استخدام در سپاه عیار تنداز: حداقل ۴۵۰۰۰ ریال حقوق ماهانه، محل سکونت، تامین خواربار و ما بحتاج از تعانیهای مخصوص وسیله نقلیه و تامین همسر و امکانات ازدواج (از طریق موسسه ای که بهمین منظور بوجود آمده است) برای پاسداران مجرب...

در اواسط مرداد ماه، دو انفجار در محل اداره ارشاد سوسیالی - ایدئولوژیک پایگاه یکم شکاری صورت گرفته است. این انفجارها متعاقب دستگیریهای گسترده نیروی هوایی پس از پرواز رجوی - بنی در صورت پذیرفته، انجام شده است.

۸۰۰۰ روحانی همکار ساواک

در جلسه روز پنجشنبه ۶۰۹۵/۲۲ مجلس شورای اسلامی بهنگام بحث در مورد "لایحه بازسازی ادارات دولتی" آقای خلیفای نماینده قم گفت: "در رژیم گذشته حدود ۸۰۰۰ روحانی نماینده ساواک منحل همکاری میکردند." این گفته آقای خلیفای ساعتی بعد طی یادداشتی به رئیس مجلس اعلام گرد موضوع ۸۰۰۰ نفر نبوده است بلکه ۸۰۰ نفر بوده است که مجددا در مجلس همه در گرفت و آقای خلیفای گفتند ۸۰ نفر، که با زهم عده ای گفتند صحیح نیست و به ۸ نفر هم نمیرسد. ۱۰ - اسفند الله علی القوم الکاذبین ۱۰



تهران

● دو پاسدار شخصی ممتاز را در هنگام خرید از یک سیگار فروش در خیابان معدق توقیف و او را با اتومبیل به خیابان پیروز میبرند. در آنجا او را به زور از اتومبیل بیرون انداخته و تیری به پایش شلیک میکنند. سپس او را به بیمارستان برده و میگویند در رابطه با جریان گیشاست و قتی وی این موضوع را انکار میکند. سیگار فروش را به شهادت میطلبند. پاسداران سرمایه میگویند پس اتومبیل ب. ام. و. که پس آورده متعلق به چه کسی است؟

پاسداران سرمایه که از مقابله با مبارزه بین انقلابی عاجز و زبون شده اند برای دستگیری "مخاربین با خدا و امام" و کشف خانه ی تیمسی بهر وسیله ای بمنظور برگردن صفحات روزنامه های مزدور و صدا و سیما ی منفور جمهوری اسلامی متوسل میشوند.

● در کارخانه ی قرقره ی زیبا، رئیس حسابداری که یک حزب اللهی است مبلغ ۷۵۰۰۰۰ ریسال از صندوق کارخانه دزدیده است. ولی در اثر اطلاع کارگران و اعتراض آنان، مجبور شده اند که او را موقتاً از کار برگزار کنند.

همچنین در این کارخانه، برای جلوگیری از تجمع "بیمورد" کارگران که موجبات تخریب و وحشت رژیم سرمایه داری را فراهم میآورد، تصمیم به پرداخت پول مبالغه به جای صرف آن در کارخانه گرفته اند. برای تأیید این امر از کارگران امضا گرفته شده است. ولی تعداد زیادی امضا نگرفته اند.

● در اوایل شهریورماه جماعتداران مزدور سرمایه وفا شیت به خانواده های شهدایی که در لهنج آباد به خاک سپرده شده اند حمله ور گشته اند. در این حمله مردان حاضر را با چماق کتک زده و ماشینها را در هم کوبیده اند. این جماعتداران با چندا توبوس پس از تسبیح آبا دمنقل شده بودند. پاسداران نیز از رفتن خانواده ها به گورستان جلوگیری میکردند.

● مادر یکی از مجاهدین زندانی کتابهایی و نشریات فرزندش را به کنایه با ن برده و شروع به فروش آنها میکنند و او را دستگیر کنند و در زندان موفق به کسب اطلاع از فرزنداش گردد. پس از مدتی پاسداران مزدور سرمایه او را محاصره کرده، کتابها

را با ره کرده و خود وی را روانه خانه میکنند.

● گفته میشود که پاسداران جنایتکار زندان وین ۳۰ نفر از دخترانی را که در درگیری های ۳۰ خرداد دستگیر شده بودند، مورد تجاوز و وحشیانه قرار میدهند و سپس آنها را اعدام میکنند.

روز شنبه ۱۲ شهریور ساعت ۵ بعد از ظهر عده ای، اکثراً دختر، با شعارهای "زندانی سیاسی آزاد باشد گورد"، "مژگ برارتجاع" و سایر شعارهای ضد رژیم در خیابان گرگان دست به تظاهرات زدند. مدتی بعد پاسداران مزدور سرمایه سرسیده و بسیار اندازی شدید دست به سرکوب تظاهرات کنندگان زدند. تظاهرات کنندگان نیز به سختی با اطراف گریخته و تعدادی از آنان توسط مردم فراری داده شدند. بعد از این جریان کتابفروشی هواداران اکثریت مورد تاراج قرار گرفت و صاحب آن دستگیر شد.

● روز چهارشنبه ۱۸ شهریور بین ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر تعدادی مبارزین مسلح در سه راه زندان، جاده قدیم شمیران، با شعارهای "مرگ بر خمینی" این ماه ماه غنیمت، خمینی سرنگونه" دست به تظاهرات زدند و بعد از چند دقیقه با هدف قرار دادن چند تن از اوباشان حزب اللهی صحنه را ترک کردند. پاسداران پس از چند دقیقه به محل رسیدند و برای تظاهرات اینکه موفق به دستگیری کسانی هم شده اند، ۲ نفر از مردمی را که در خیابان بودند دستگیر نمودند.

این تظاهرات از جمله سایر تظاهرات مسلحانه بود که در روزهای مختلف در خیابانهای مختلف تهران صورت گرفته است.

● اخیراً پاسداران مزدور سرمایه برای دستگیری افرادی که عکسشان را در اخبار دارند به اداره هماهنگی و ارتباطات مراجعه میکنند و از این طریق به جستجوی آدرس افراد مورد نظر میپردازند.

● در وزارت کار (فرما) از کارمندان خواسته شده است که شناسنامه هاییشان را برای بازرسی ارائه دهند. ولی پس از اعتراض کارمندان، بخشنامه ای صادر میشود که در آن ادعا میگردد که شناسنامه ها برای تکمیل کردن پرونده ها خواسته شده است.

● در وزارت نیرو نیز همین امر تکرار شده است. در وزارت کشاورزی بطرز موهنی از کارمندان و مراجعین با زحوبی بدنی به عمل میآوردند و ضمناً اگر کسی سیگار رویشش داشته باشد آنرا ضبط کرده و بهای آن به آقایان یک بسته سیگار آزادی و سه خانمها ۴ عدد سیگار آزادی میدهند و میگویند برای امور رتبه کافیت.

● اتومبیلهای زیر توسط مزدوران رژیم و برای مقاصد تحقیق و سرکوب مبارزین مورد استفاده قرار میگیرد.

● بنز سفید رنگ به شماره ی ۱۱۴۵۱ تهران ۷۵، پیکان مورتی به شماره ۲۲۲۲۲ تهران م، شولست آبی به شماره ۱۵۳۴۴ سرویس، شولست ایران رنگ شیری به شماره ۱۹۲۷۸ تهران ع، پیکان خاکستری نسبتاً تیره به شماره ۲۷۸۴۴ تهران ق، ب. ام. و